

پیش‌خواران

در ریج‌های دیگر بر اندیشه و عمل یک قهرمان

اوراق و فرازهایی از «زبور مقاومت»

■ شاهد توحیدی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، صحیفه‌ای دیگر در بازنمایی حیات نظری و عملی سید مقا و مت علامه شهید سید حسن نصرالله‌است. این پژوهش از سوی

محمدحسین بزی و مصطفی الهیاری انجام شده و شرکت چاپ و نشر بین‌الملل آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای رجتایوز طی یادداشتی در باب مفاد این تحقیق اشاراتی به قرار پی آمده دارد: «هكذا تكلم نصرالله، نام اثری است که سال‌ها قبل در لبنان منتشر شد و موضوع اصلی آن سیدحسن نصرالله، مواضع سیاسی و مبارزاتی اوو شهادت فرزندش نصرالله‌ممتازمی‌کند. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل در سال ۸۶ این اثر را ترجمه و آن را با نام زبور مقاومت منتشر کرد و حالا پس از ۱۲ سال همراه با بازنویسی و اضافه کردن مطالب جدید به این اثر ارزشمند به بازآفرینی آن اقدام کرده است. ویژگی‌های انحصاری این اثر آن را از سایر آثار درباره سیدحسن نصرالله متمایز می‌کند. کتاب زبور مقاومت، سیری در زندگانی، مواضع و دیدگاه‌های سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان است که نگاهی ویژه‌ای هم به جنگ ۲۳ روزه و مجاهدت‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی دارد. این اثر شش بخش دارد که در بخش اول، زندگی شخصی، تحصیلات، ازدواج، فرزندان و چگونگی شکل‌گیری شخصیت سیدحسن نصرالله بیان شده است. خواننده در این فصل از کتاب، به‌طور مجمل درباره شرایط زندگانی سیدحسن نصرالله و دوره کودکی او، چگونگی آشنایی سیدمجاهد با شخصیت و افکار امام موسی صدر و روند تحصیلات او در لبنان و عراق، چگونگی



شکل‌گیری حزب‌الله و فعالیت‌های سیدحسن نصرالله پیش از ایجاد حزب‌الله و نقش او در دوران دبیر کلی سیدعباس موسوی‌اشنا خواهد شد. در این بخش از کتاب خاطراتی منتشر شده که کمتر شنیده و گفته شده است و جذایبیتی مضاعف را برای خواننده به همراه خواهد داشت. پایان این فصل از کتاب، بخش کوتاهی از مصاحبه دبیر کل حزب‌الله مجله المجله بانشر شده است. فصل دوم کتاب به بررسی ابعاد شخصیتی سیدحسن نصرالله می‌پردازد. در این فصل از کتاب نظر برخی از دوستان و حتی دشمنان سیدمجاهد را درباره شخصیت او بیان می‌شود. در این بخش، تحلیل روزنامه بدعوت احرارونوت عوفر سلج و رون لیشم درباره جنگ ۲۳ روزه و دیدگاه مردم منطقه به سیدحسن نصرالله منتشر شده است و نگرانی صهیونیست‌ها از همه‌گیر شدن این تفکر که نصرالله اولین عربی است که عقبنشینی یک‌جانبه و بدون هیچ پیش‌شرط و دستاورد سیاسی را بر اسرائیل تحمیل کرد. این مرد به همگان، درس چگونه به‌زانو درآوردن دشمن را آموخت. بخشی از سخنرانی‌های مشهور و به‌یادماندنی سیدحسن نصرالله، موضوع فصل سوم این کتاب ارزشمند است. در این بخش سخنان سیدحسن نصرالله به مناسبت‌های مختلف آورده شده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به سخنرانی دبیر کل حزب‌الله در مراسم تشییع شهید سیدعباس موسوی، سخنرانی در سالگرد تأسیس جنبش حماس در سال ۲۰۰۰، سخنرانی در اولین کنفرانس قدس، سخنرانی در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) و… اشاره کرد. فصل چهارم کتاب درباره شهادت فرزند ارشد سیدحسن نصرالله یعنی سیدهادی است که در آن نحوه شهادت سیدهادی و چگونگی مطلع‌شدن سیدحسن نصرالله و همسر ایشان از شهادت فرزندشان بیان شده است. در این بخش علاوه بر اولین سخنرانی سیدحسن نصرالله بعد از اعلام شهادت فرزندش، سخنرانی مادر و همسر شهید هادی نصرالله درباره شهادت وی، پیام ولی امر مسلمین امام خامن‌ای و نامه دبیر کل حزب‌الله در جواب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز منتشر شده است…»



شهید سیدهاشم صفی‌الدین

شهادتی غریبانه داشت و میراثی بزرگ بر جای نهاد

زندگی بدون دوستم سید حسن

برایم بی‌معناست

■ احمد رضا صدری

اربعین س‌ردارانی سترگ را پشت‌سر می‌نهمیم که همچنان غبار جنگ مانع از نمایان‌گشتن قدر والای آنان است. با این همه شرایط به این منوال نخواهد ماند و حدیث رزم آوری و مانایی آنان به ۱۰۰ زبان در تاریخ واگویه خواهد شد! این ادعا درباره شهید سیدهاشم صفی‌الدین به عنوان رئیس شورای اجرایی حزب‌الله مصداقی دربارۀاش کمتر به روایت پرداخته‌اند. مقال بی‌آمده تلاش دارد تا با استناد به پاره‌ای متون و خوانش تحلیلی آنها بخشی از حقیقت را درباره وی بنمایانند. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■■■■

■ بر ستیغ حق طلبی و پایدردی

در آغاز سخن در مکانث شهید سیدهاشم صفی‌الدین بهنگام است که بر حیات سیاسی و مبارزاتی وی نظری کوتاه بیفکنیم. بر تارنمای خبرگزاری تسنیم تک نگاشته‌ای وجود دارد که در این باره مفید و وافی به مقصود می‌نماید:

«شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهاشم صفی‌الدین از رهبران سیاسی جنبش حزب‌الله لبنان، در سال ۱۹۶۴ در شهر دیر قانون الهمر در جنوب لبنان در یک خانواده سرشناس شیعه به دنیا آمد. او پسرخاله سیدحسن نصرالله، دبیر کل شهید حزب‌الله بود. آنچه در رابطه هاشم صفی‌الدین و شهید سیدحسن نصرالله جلب توجه می‌کند، علاوه بر رابطه خویشاوندی، شباهت ظاهری، صدا و حتی لحن است. خانواده صفی‌الدین در عرصه‌های سیاسی و مذهبی، شهرت زیادی دارند و علمای شیعه و سیاستمداران برجسته شیعه در لبنان، اغلب از این خاندان بر خاسته‌اند که مهم‌ترین آنها محمد صفی‌الدین نماینده مجلس لبنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است. سیدهاشم صفی‌الدین در

بخشی از سوگ نگاشته صفی‌الدین پس از شهادت سیدحسن نصرالله: «در تاریخ تریسن و غم‌انگیز تر ین لحظات عمرم برایتان می‌نویسم. ای کاش مرگ من را از زندگی محروم می‌کرد. کاش به زودی با شهادت به او ببیوندم تا روحم آرامش پیدا کند. من برای خودم عزادار نیستم، اما ای آقای من، حبیب من، جان من، زندگی بعد شما معنایی ندارد، کاش مرده بودم و فراموش شده بودم…»

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

شهید سیدهاشم صفی‌الدین در یکی از اولین دیدارهای خودش با رهبر معظم انقلاب اسلامی

د

فرازی از یکی از واپسین نامه‌های سیدهاشم صفی‌الدین: «اسرائیل باید بداند که مقاومت راهی جز پیروزی نمی‌شناسد. در مقاومت ما پرچم روی زمین نمی‌افتد و اختلاالی در جبهه نبرد ایجاد و رؤیاریوبی ما تضعیف نمی‌شود. زمانی که یک فرمانده شهید می‌شود، دیگری پرچم را بر می‌دارد و با عزمی جد ید ادامه می‌دهد. اگر قصد رژیم اشغالگر رخنه یافتن به عزم ما در پشتیبانی از غزه است، باید بداند که پاسخ ما در افزایش کمی و کیفی عملیات‌ها حتمی است…»

آبروی ارزشمند حزب‌الله را در راه حفظ تمامیت ارضی آن کشور به میدان آورد و رژیم صهیونی متجاوز و جنایتکار را ناکام گذاشت، امروز رهبرانی چون نصرالله و صفی‌الدین به ظاهر در این نشئه حضور ندارند، ولی روح و رهبری آنان در میدان حاضر است و از لبنان و مردم بی‌دفاع آن دفاع می‌کنند. امروز هم حزب‌الله قوی‌ترین مدافع لبنان و مستحکم‌ترین سپهر در برابر طمع‌ورزی رژیم صهیونی است که از دیرباز تجزیه لبنان را هدف گرفته بوده است. دشمن کوشش می‌کند تا نقش فداکارانه حزب‌الله برای لبنان را انکار کند، دلسوزان لبنان نگذارند که این سخن باطل از حنجره آنان شنیده شود. حزب‌الله زنده و روینده است و نقش تاریخی خود را ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی نیز مانند همیشه، به مجاهدان قدس و مقاومت‌کنندگان در برابر اشغالگری باند جنایتکار غاصب فلسطین کمک خواهد کرد، بادن الله…»

■ او مدیری مسئولیت‌پذیر و مقتدر بود

شاید بتوان یکی از بهترین توصیفات در باب زمانه و کارنامه صفی‌الدین را در متن اطلاعیه رسمی حزب‌الله در اعلام خبر شهادتش جست. این متن بلیغ، وی را به اوصافی گران می‌سناید و نقش او را طی ده‌ها سال عهده‌داری مسئولیت‌های مختلف در تشکل متبوع خود بازنایی می‌دهد:

«شهادت رهبری بزرگ و شهیدی عظیم در راه قدس، رئیس شورای اجرایی حزب‌الله، جناب علامه سیدهاشم صفی‌الدین (رضوان الله تعالی علیه) را که همراه جمعی از بهترین برادران مجاهدان در حمله جنایتکارانه صهیونیستی به لقا‌ءالله پیوست را به اطلاع امت شنهدا و مجاهدین امت مقاومت و پیروزی می‌رسانیم. سیدهاشم‌به برادر والامقام و شهیدش، جناب سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله پیوست. او بهترین برادر و یاور برای برادرش بود. او به منزله ابوالفضل‌العباس(ع). برای برادرش امام حسین(ع) بود. او برادر و بازو و حامل پرچم و مورد اعتماد او در مصائب و سختی‌ها بود. او انسانی متقی، صالح، پرچمدار، مدیر و مدبر، رهبر و نهایتاً شهید بود. جناب سیدهاشم صفی‌الدین، تمام حیاتش را در خدمت حزب‌الله و مقاومت اسلامی گذراند و در طول سال‌های طولانی از عمره شریفش با مسئولیت‌پذیری و اقتدار، شورای اجرایی و نهادهای مختلف و یگان‌های فعال در تمام زمینه‌ها و هر آنچه را با فعالیت مقاومت مرتبط بود، مدیریت کرد تا اینکه خداوند او را به گروان نورانی شهدای کربلا ملحق کرد…»

■ در سالیان جهاد و به نجات و فروتنی، نام خود را از سایه رهبر مقاومت خارج نساخت از جمله تحلیل‌هایی که پس از شهادت صفی‌الدین نشر یافت، تأکید بر شهرت گریزی وی جایگاهی مهم و شاخص پیدا کرد. امری که همگان به رغم آوازه‌ای که در سالیان اخیر یافته بود، بدان اذعان داشتند. به عنوان نمونه محمد محمودی کبایلی یادداشتی در پی شهادت آن بزرگ این مهم را به ترتیب پی آمده مورد تأکید قرار داد: «دست‌چینکارا هر یمن‌ن دوران، شیطان مجسم، شر مطلق، شجره خبیثه‌نی صهیون، غاصب‌صهیونیستی هستند. سیدهاشم صفی‌الدین در مراسم چهلمین روز شهادت سردار قاسم سلیمانی نیز تأکید کرد، خون حاج‌قاسم موجب اخراج اسرائیلی‌ها از کل منطقه و آزادی ملت‌های منطقه می‌شود. او کمتر از یک هفته پس از شهادت سیدحسن نصرالله، در ضاحیه بیروت و از سوی بمب افکن‌های اسرائیلی ترور شد و به شهادت رسید…»

■ در آیینۀ توصیف پیرمراد پیام‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در بزرگداشت سرنان مقاومت لبنان و فلسطین در ۴۰ روزی که گذشت، آدرس‌های متنوع و در عین حال ارجمندی را در شناخت آنان به دست می‌دهد. این امر در پیام تسلیتی که پس از اعلام رسمی شهادت سیدهاشم صفی‌الدین نشر نیافت نیز به نحوی آشکاری هویداست: «سید مجاهد، رشید و فداکار، جناب سیدهاشم صفی‌الدین (رضوان‌الله‌علیه)، به‌صف شهیدان مقاومت پیوست و ستاره درخشان دیگری، آسمان جهاد در راه قدس شریف را مزین کرد. او از برجسته‌ترین شخصیت‌های بزرگ حزب‌الله و یار و همراه همیشگی جناب سیدحسن نصرالله بود. حزب‌الله با تدبیر و شجاعت رهبرانی چون او بود که باز هم توانست لبنان را از خطر تجزیه و فروپاشی مصون دارد و تهدید رژیم غاصب را که ارتش شقی و ظالم آن، گاه تا بیروت را لگد مال می‌کرد، خنثی سازد. شهامت و فداکاری او و دیگر فرماندهان و مجاهدان محور نصرالله بود که خطر غصب و اشغال جنوب لیبانی و صور و دیگر شهرهای آن ناحیه و انضمام آن به فلسطین مغضوب و اشغال شده را از سر لبنان رفع کرد و جان و مال و

در اندیشه شوم خود پندارد که با اینچنین کشتارهایی، بساط مقاومت بر چیده یا مرعوب توحش بی‌حدوحصر آن شود، حال آنکه ملتی که شهادت را عزت ابدی داند و مرگ را فرار از زندان تن‌پندارد، ملتی که زندگی در سایه ظلم‌ر انگ و عار داند و جهاد را در ی درهای بهشت، ملتی که تکیه بر فرهنگ عاشورا دارد و دل در کربلا همان ارض موعود مصارع عشاق شهدا! اینچنین ملتی را چه پاک از مرگ که مشتاقانه آن را به آغوش کشانند. هر چند این شهادت‌ها هر یک ثلعه و خسارتی جبران‌ناپذیر است، ولی یاداشی است نیک برای آنان که عمری در جست‌وجوی شهادت، سنگر به سنگر در تکاپو بودند و پیوسته حسن ختام خود را اینچنین از خدای خویش تمسک می‌کردند. آری! این شهیدان‌ها نه پابانی است برای مقاومت و نه نقصانی است در بالندگی آن. مقاومت یک اندیشه مطهر است و شهادت، بیت‌الغزل دیوان بلند عاشقی!

روزنامه جوان | شماره ۷۱۶۷

آنان که ره دوست گزیدند همه در کوی شهادت آرמידند همه در معرکه دو کون فتح از عشق است

هر چند سپاه او شهیدند همه ■ **مقاومت خود را در میدان ثابت می‌کنیم** در این بخش از مقال، مناسب است که قدری به میراث قلمی و گفتاری صفی‌الدین نظر کنیم و او را از این دریچه بشناسیم. واپسین سطور ی که از وی نشر یافت، دل‌نگاشته‌ای بود که در واپسین روزهای حیات و پس از شهادت رهبر خویش به قلم آورده بود: «در تاریک‌ترین و غم‌انگیزترین لحظات عمرم برایتان می‌نویسم. ای کاش مرگ من را از زندگی محروم می‌کرد. کاش به زودی با شهادت به او [سیدحسن نصرالله] ببیوندم تا روحم آرامش پیدا کند. من برای خودم عزادار نیستم، اما ای آقای من، حبیب من، جان من، زندگی بعد شما معنایی ندارد. کاش مرده بودم و فراموش شده بودم، اما ای برادران عزیز اهل قلم و اندیشه به نظر و صدای رسا و مبارک به اذن الهی در میدان ثابت می‌کنیم و با مقاومت‌مان، حق و وظیفه‌مان در دفاع از وطن و مردمان روی پاهای‌مان محکم می‌ایستیم…»

پس از آن شبکه‌المیادین نیز دیگر نوشته‌ای را از وی منتشر ساخت: «اسرائیل باید بداند که مقاومت راهی جز پیروزی نمی‌شناسد. در مقاومت ما پرچم روی زمین نمی‌افتد و اختلاالی در جبهه نبرد ایجاد نمی‌شود و رؤیاریوبی ما تضعیف نمی‌شود. مردم مقاومت ثابت‌قدم هستند و مطلقاً ضعیف نشده و نخواهند شد. زمانی که یک فرمانده شهید می‌شود، دیگری پرچم را بر می‌دارد و با عزمی جدید ادامه می‌دهد. اگر قصد رژیم اشغالگر رخنه یافتن به عزم ما در پشتیبانی از غزه است، باید بداند که پاسخ ما در افزایش کمی و کیفی عملیات‌ها حتمی است…»

■ **کشور بزرگ نیل تا فرات، در داخل منطقه‌ای کوچک محصور شد**

واپسین تحلیل‌های سیاسی و منطقه‌ای صفی‌الدین از شرایط جبهه مقاومت منظر او را در این باره شفاف می‌سازد. او حدوداً یک‌سال پیش از شهادت و در گفت‌وشنود با خبرنگار تسنیم از اوصاف اسرائیل کنونی، در ۷۵ سال پس از تولید و تبلیغ شعار نیل تا فرات می‌گوید: «اسرائیل رو به ضعف بیشتر می‌رود و قدرت مقاومت همچنان بیشتر می‌شود. اشکال ضعف تغییر می‌کند، همانطور که اشکال قدرت نیز تغییر می‌کند. مقاومت امروز تبدیل به محور شده است، در حالی که در گذشته نه از حیث تعداد و نه امکانات موشکی و امکانات تسلیحاتی و سطح جغرافیایی چنین نبود. قدرت و توانمندی محور مقاومت، تغییر کرده و متحول شده است. به همین ترتیب، نقاط ضعف در دشمن صهیونیستی نیز تغییر کرده است. دشمن در تمام این کیان و موجودیت سیاسی که اسمش اسرائیل است و از اساس موجودیتی موقت است، حضور داشت و می‌جنگید، اما منطقه تسلط این رژیم، شروع به کوچک‌تر شدن کرده و هر روز تنگ‌تر از روز قبل می‌شود. از یاد نبریم که اسرائیلی‌ها می‌گفتند، می‌خواهند کشور بزرگ خود را از فرات تا نیل بنا کنند، اما امروز به کشوری داخل این دیوار و منطقه ۴۸ پیسندۀ کرده و این منطقه را دولت یهودی نامیده‌اند! غزه از دست‌شان خارج شده و به همین ترتیب، بخشی از کرانه باختری را از دست دادند. دیوار را احداث کردند تا از خود محافظت کند. با این همه اوضاع برای اسرائیل، بیش از اینها تنگ خواهد شد. چه کسی می‌توانست تصور کند که در ناپلس و جنین این همه سلاح و جوانان فلسطینی مبارز وجود داشته باشد؟ روزی فرامی‌رسد که در داخل مناطق ۴۸، عملیات‌هایی رخ می‌دهد و مقاومت حضور خواهد داشت. چیزی که اسرائیل اصلاً تصور آن را نخواهد کرد. صهیونیست‌ها با هم در جبهه‌های راست و چپ درگیر هستند! البته آنها جبهه‌ای به نام چپ ندارند! آنها را پاسد هستند یا راست‌تندرو، همه تندرو و افراطی هستند. این تندروهای افراطی گیج و سرگردان هستند. این جامعه، جامعه‌ای همدل، یکپارچه و متحد نیست. واقعیت امر این است که جامعه اسرائیل از داخل فروپاشیده است. رهبران تاریخی آنها پایان یافته‌اند. رهبران کنونی آنها رهبران کوچک‌وساده‌ای هستند که به فساد و دزدی معروف هستند. برخی سابقه زندان دارند و برخی وارد زندان خواهند شد. برخی هم دارای پرورنده‌های کفبری هستند. اینها همه بخشی از واقعیت این موجودیت اجتماعی ضعیف و درحال فروپاشی است…»

■ **دین «پسر پهلوی» در اسرائیل، موجب خنده شد!**

وی در گفت‌وشنود فوق آمده، اشارتی نیز به سفر فرزند شاه مخلوع به اسرائیل دارد. او بر این باور است که چنین صحنه گردانی‌هایی، جز علامت ضعف نیست و از قضا برای اهل تحلیل نیز چنین معنایی دربردارد: «وقتی ما مشاهده کردیم، پسر پهلوی در اسرائیل خنده است، خیلی خندیدیم و در یافتیم که ایران بهتر از من می‌دانسد، وقتی رژیمی چون اسرائیل پزداپی پسر پهلوی می‌شود تا با آن قدرت بگیرد، بسیار مضحک است. چون طبیعتاً طرف ضعیف نیازمند یک طرف قوی است تا قدرتمند نشود نه یک طرف بسیار ضعیف‌تر. این سفر نشان داد که اسرائیل به حدی از ضعف و استیصال رسیده که محتاج فردی چون پسر پهلوی می‌شود که هیچ جایگاه و ارزشی ندارد، بدون اینکه اصلاً اثرگذاری‌ای در داخل ایران یا خارج آن داشته باشد…»

شهید سیدهاشم صفی‌الدین در حال سخنرانی در جمع سینه‌د زینبار